



Curriculum of Family Rights Education Based to Culture of Individualvalues in Elementary System

Authors

S. Tighbakhsh¹

1. Assistant Professor of Curriculum Planning, Department of Educational Science, Faculty of Educational Science, Islamic Azad University, Isfahan (Meymeh), Isfahan, Iran.

R. Moradi^{2*}

2. Assistant Professor of Right, Department of Right, Faculty of Right, Islamic Azad University, Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Abstract

This Study Was Mainly Designing Curriculum Based to family rights Education in Elementary System. The Present Study Aimed at Investigating the International Documents Conducted on family rights Education by Employing a Qualitative Approach. Domain of Research to Including of International Documents Related and Organization of Nation and International That Providing an Appropriate Framework for family rights Education. In Order to Collect the Data, The Related Literature Was Reviewed Based on The Questions and Objectives of The Study. The Data Analysis Was Based on Deduction. The Results of The Study Depicted five Main Categories Including Objective, Content, Learning / Teaching Strategies, Assessment Technicals and Environment and for Validity Used of Credibility and for Reliability Used of Dependability and for Reliable of Capability in Education Investigation by Experts.

Keywords: Education, Individualvalues, Curriculum, Familyrights, Culture.

***Corresponding Author:** R. Moradi, Assistant Professor of Right, Department of Right, Faculty of Right, Islamic Azad University, Ahvaz, Ahvaz, Iran. Ru.moradi@iau.ac.ir

Citation: moradi, Ruhollah, tighbakhsh, samira. (2024). Designing Curriculum of family rights Education Based to culture of individualvalues for Elementary System. Scientific Journal of Social Psychology, 71(12), 41-51.



برنامه درسی آموزش حقوق زنان در راستای فرهنگ ارزش های فردی دردوره ابتدایی

نویسندگان

سمیرا تیغ بخش^۱روح الله مرادی^{۲*}

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی برنامه درسی آموزش حقوق زنان در راستای فرهنگ ارزش های فردی دردوره ابتدایی انجام گرفت. این پژوهش بابه کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی به واکاوی متون واسنادبین المللی در ارتباط با آموزش حقوق زنان در راستای فرهنگ ارزش های فردی پرداخته است. حوزه پژوهش شامل متون واسناد بین المللی، ملی ومفادقانون اساسی کشور که در زمینه آموزش حقوق زنان در راستای فرهنگ ارزش های فردی چارچوب مناسب ارائه داده اند و نیز از کلیه منابع چاپی و الکترونیکی دردسترس مبتنی بر اهداف وسؤالات پژوهش برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد. تجزیه وتحلیل اطلاعات با به کارگیری نظام مقوله ای قیاسی انجام گرفت. یافته های پژوهش نیز در پنج عنصر اصلی اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، تکنیک های ارزشیابی، محیط وفضای یاددهی - یادگیری به دست آمد. در این پژوهش برای بررسی روایی از معیار باورپذیری و برای بررسی پایایی از معیار اطمینان پذیری استفاده شده است. پایایی طراحی برنامه درسی نیز توسط متخصصین در هر مرحله مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: آموزش، ارزش های فردی، برنامه درسی، حقوق زنان، فرهنگ.

*نویسنده مسئول روح الله مرادی، استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران. Ru.moradi@iau.ac.ir

استاد به این مقاله: مرادی، روح الله، تیغ بخش، سمیرا. (۱۴۰۳). برنامه درسی آموزش حقوق زنان در راستای فرهنگ ارزش های فردی دردوره ابتدایی. نشریه روانشناسی اجتماعی، ۷۱(۱۲)، ۴۱-۵۱.

مقدمه

دنیا در آغاز سدهای قرار دارد که جهانی شدن به عنوان یکی از ویژگی های روشن آن است، جهانی شدن بر همه حوزه های بشری از جمله جامعه، حکومت، تولید دانش، امنیت، صلح و عدالت اثر گذاشته و موجب دگرگونی شیوه اندیشه و برداشت انسان ها از پیوند های اجتماعی شده است و همزمان از آن ها اثر پذیرفته است و پیامد این دگرگونی های اجتماعی تأثیرات گسترده و ژرفی بر زندگی روزمره و رفتار انسان ها در زمینه های گوناگون داشته است. هزاره سوم میلادی در شرایطی آغاز شده است که جامعه جهانی همچنان با چالش هایی جدی در زمینه دستیابی به صلح و امنیت بین المللی رو به رو است. موارد متعدد نقض حقوق بشر موجب شده است که دولت هادر جهان به فکر یافتن راه حلی به منظور جلوگیری از وقوع چنین پیشامدهایی باشند. بر این اساس کنفرانس ۱۹۹۳ وین در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی آموزش حقوق بشر، آموزش زنان، تعلیم وآگاهی دادن در این زمینه برای تقویت تفاهم مشترک، بردباری و صلح بین جوامع را ضروری دانسته است تا از این

طریق موجب افزایش آگاهی جهانی از حقوق بشر و تقویت فرهنگ جهانی حقوق بشر شود و زمینه ساز و مبنای تحقق صلح و امنیت در جهان گردد (کریستی^۱، ۲۰۱۰).

حقوق بشر حقوق بنیادین و انتقال ناپذیری است که برای حیات نوع بشر اساسی دانسته می شود یعنی مجموعه ای از ارزش ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارها که موضوعشان حمایت از مقام، منزلت و کرامت انسانی است (فلورز^۲، ۲۰۱۰). به عبارت کلی حقوق بشر حقوقی است که مردم به خاطر هویت انسانی باید از آن برخوردار باشند نه به خاطر دین، زبان و ملیت (فریمن^۳ ۲۰۱۱). ارزش های انسانی مجموعه ای درونی شده از اصول رفتاری هستند که افرادی گروه ها به آن ها پای بندند. این ارزش های انسانی به این دلیل انتخاب شده اند که براساس آن چه به درستی انسان گرایی بین المللی نامیده می شود مورد پذیرش مطلوب همگان محسوب می شوند و نیز در قانون اساسی و نیز در برخی منشورها از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق کودک، حقوق زنان و... آمده اند که به آسانی در دسترس هستند. در راستای همین ارزش ها رفتارهایی هستند که باید در فرآیند یادگیری به آن ها توجه شود و خودداری تأثیر فراوان بر فرآیند، کیفیت و نتایج یادگیری و ارزشیابی هستند. ارزش های انسانی و رفتارهایی از جمله حقوق زنان که انتظار شدشان را داریم نخست با خود فرد آغاز می شود و سپس به واسطه تعمق و تفکر در سطح گروهی، جوامع، ملی و نهایتاً در مقیاس جهانی بررسی می گردند (مایور، ۱۳۹۰).

بنابراین حق آموزش از حقوق فطری و اساسی انسان محسوب شده و در دین مبین اسلام نیز بر آموزش تأکید فراوانی شده است. از این رو، دولت و حکومت اسلامی نیز باید این حق را برای زنان به رسمیت بشناسد و امکانات و تسهیلات مناسب را در این جهت در اختیار آنان بگذارد. تسهیل امر آموزش برای زنان، در تمام جنبه های زندگی آنان و جامعه و همچنین تربیت نسل آینده، تأثیرات مثبتی خواهد داشت (آرتیدار، ۱۴۰۰).

نظر مشهور فقها در رابطه با محدوده علمی که زن حق اکتساب آنها را دارد به این صورت است که حسن و بلکه وجوب کفایی یادگیری و تعلیم و تعلم تمامی علوم از امورات مسلمة است و آیات و روایات و ادله عقلیه سیره های عملیه بر حسن تعلیم و تعلم تمامی آنها دلالت دارد جز در مواردی که به صورت علم محض است و حقیقتی ندارد و یا ملازم با مفاسد و ضررهای دیگر باشد و بیان الهی انما یخشی الله من عباده العلماء (سوره فاطر، آیه ۲۸) و آیات دیگر در باب علم و همچنین ظاهر روایات طلب العلم فریضة علی کل مسلم اطلب العلم ولو بالصین و دیگر روایات ذکر شده و اطلاق این روایات، دلالت بر شمول این حکم بر تمامی علوم است. تربیت شاگردانی همچون جابر بن حیان استاد و پدر علم شیمی در مکتب امام صادق (ع) دلیل عملی بر این مدعی است. لیکن و در عین حال عالی ترین و کامل ترین؛ ارزش و ثواب و تأکید خداوند و بزرگان در جهت فراگیری علوم شرعیه و معارف الهیه است و به همان اندازه که سعادت و سلامت روح و روان و سعادت آخرت بر سلامت جسم و سعادت دنیا برتری دارد علوم شرعیه و معارف دینی، حقوق فردی و اجتماعی بر سایر علوم تقدم و برتری دارد. البته این بیان در مورد غور و تخصص در سایر علوم است؛ اما اطلاع و آشنایی در پاره ای از علوم مانند حساب و هندسه و ریاضیات و نجوم و جغرافیا و... که در علوم شرعیه و احکام دینی مؤثر است بسیار نیکو و بلکه لازم است، همان گونه که بسیاری از بزرگان گذشته مانند علامه و شهیدین و امثال آنان آشنائی کاملی با بسیاری از این علوم داشتند (نجفی، ۱۴۰۰).

امام خمینی (ره) در بیانات خود می فرماید: «علوم مطلقاً، خصوصاً علوم اسلامی، اختصاص به قشری دون قشری ندارد و بانوان محترم ایران در طول انقلاب ثابت کردند که هم دوش مردان می توانند در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، خدمات ارزشمندی به اسلام نمایند و در تربیت و تعلیم در جامعه پیشتاز باشند» (موسوی، ۱۳۹۹).

¹ Christie

² Flowers

³ Freeman

با توجه به اهمیت و سفارشات مکرر ائمه جهت علم آموزی حتی در برخی موارد، چنان که پیش از این بیان شد، تعلم برخی علوم واجب است حکومت اسلامی نیز در این، میان مسئولیت خطیری بر دوش دارد و باید شرایط و امکانات لازم را در این جهت فراهم کند تا همگان بتوانند از این حق استفاده کنند. به جهت مؤثر بودن نیروی انسانی در فرآیند توسعه، ملتی مترقی و سعادتمند خواهد شد که برای احاد ملت خود از همان اوان کودکی، برنامه ای منظم و منطبق بر اصول و معیارهای ارزشمند و هدف دار محیط آموزشی و تربیتی مناسبی را فراهم آورده باشد (شعبانی، ۱۴۰۰).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز همراه با اصلاحات و تغییرات و متمیم مصوب ۱۳۶۸ شورای بازنگری قانون اساسی در اصول گوناگونی بر حق تمامی افراد در آموزش همه علوم تأکید کرده است.

بند ۳، اصل ۳: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی»

اصل ۲۰: همه افراد ملت، اعم از زن و مرد یکسان، در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت و موازین اسلام برخوردارند.

اصل ۲۱: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را ایجاد کند.

اصل ۳۰: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش می دهد.

اصل ۴۳: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر ضوابطی از جمله تأمین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه استوار است (هاشمی، ۱۴۰۰).

وازنمایی که تاکنون پژوهش مشابهی در این زمینه انجام نشده است پژوهش حاضر به عنوان یک مدل طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان برای کلیه برنامه ریزان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت کشور این امکان را فراهم می نماید که با یک زاویه دید جدید بازنگری جدی در عناصر برنامه های درسی کشور در دوره ابتدایی بپردازند و مدارس نیز می توانند با استفاده از آن برنامه ای مبتنی بر انتقال ارزش های جهانی، رفتارهای پایدار و ایجاد مهارت ها بسازند که دانش آموزان ما، را قادر خواهد ساخت به شهروندان فعال جهانی تبدیل شوند و این درک و فهم می تواند راهنمای آن ها برای تحقق انسانیت، صلح و آرامش در جهان باشد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر برای پاسخ به سؤالات پژوهش و مطابق با اهداف به تحلیل متون موجود جهان پرداخته شده است. لذا روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی انتخاب گردیده است. بایستی گفت که پژوهشگر کیفی فقط از یک روش استفاده نمی کند بلکه بایک سلسله رویکرد سروکار دارد و این رویکرد ها بر باز شناسی معناهای ضمنی و نهفته تاریخی و مفهومی در عمل پژوهش تأکید دارد. هر فردی که دست کم بخشی از یک پژوهش کیفی را انجام داده باشد می داند که انجام یک پژوهش کیفی خوب مستلزم انجام یک سری از دستورالعمل های مختلف درباره روش یک پژوهش نیست، بلکه منبع اصلی کسب دانش و شناخت در پژوهش کیفی، درگیری پژوهشگر در فرآیند جستجوی معنا و حقیقت در رابطه با عنوان پژوهش و در واقع تلاش برای شناختی است که بینش های جدید و مفیدی را ایجاد می کند (هومن، ۱۳۸۹). از مزایای روش تحلیل محتوای کیفی می توان گفت که مطالب موجود در یک متن را باید به شکل مرحله به مرحله مورد تحلیل قرار داد و هم چنین باید در این تحلیل از فرآیند های قانونی پیروی کرده تا بتوان مطالب را در قالب واحدهای تحلیلی مفهومی تقسیم بندی کرد. جنبه های موجود در تفسیر یک متن و هم

چنین سؤالات مطرح شده در مورد آن ها در قالب دسته بندی هایی قرار می گیرند باید آن ها را با دقت فراوان در چارچوب فرآیند آنالیز اصلاح و ویرایش کرد (فلیک، ۱۳۹۲).

مراحلی که در تحلیل محتوای کیفی مدنظر است: تعریف واحد تحلیل (کلمه، جمله، پاراگراف) کاهش داده ها، استفاده از مقوله بندی، اصلاح نظام مقوله بندی و یک طرح کدگذاری (طرح های کدگذاری می تواند هم به صورت قیاسی وهم استقرایی توسعه یابند) براساس داده ها، ارائه گزارش از داده های کیفی (مایرینگ، ۲۰۰۶).

در این تحقیق واحد تحلیل «جمله» بوده است. محقق برای پاسخ به سؤالات نیاز به مرور متون مرتبط دارد یعنی برای بررسی آموزش حقوق زنان و استخراج عناصر براساس آموزش حقوق زنان، اسناد و متون بین المللی در ارتباط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفته سپس از جمع بندی نتایج به دست آمده برنامه درسی شامل: اهداف، محتوا، روش های یاددهی - یادگیری، تکنیک های ارزشیابی، محیط و فضای یاددهی - یادگیری تدوین شده است. محقق طراحی عناصر برنامه درسی استخراجی خود را براساس الگوگیری از عناصر برنامه درسی کلان انجام داده است، باین تفاوت که کلان عناصر برنامه درسی خود را به نه دسته اهداف، محتوا، فعالیت های یادگیری فراگیران، روش های ارزشیابی، منابع و ابزار یادگیری، زمان، محیط و فضا، گروه بندی فراگیران و بالاخره راهبردهای تدریس تقسیم بندی نموده اما محقق از بین این عناصر نه گانه کلان برنامه درسی خود را در قالب پنج عناصر اصلی شامل: اهداف، محتوا، روش های یاددهی - یادگیری، تکنیک های ارزشیابی و محیط و فضا طراحی نموده است.

در این مطالعه (تحلیل محتوای کیفی) حوزه پژوهش شامل متون و اسناد بین المللی، انجمن های وابسته به یونسکو و سازمان ملل، قانون اساسی کشور، متون اسلامی که در زمینه ارائه چارچوب مناسب برای آموزش حقوق زنان فعالیت دارند، کتب و منابع پیرامون مباحث آموزش حقوق زنان، مقالات، منابع علمی، پایگاه های اطلاعات علمی و تحقیقات کارشناسان و متخصصان بوده است. روش نمونه گیری هدفمند بوده و جهت نمونه گیری در این حوزه از مکتوبات چاپی و دیجیتالی در دسترس استفاده شده است. از جمله مهم ترین موتورهای جستجوگر و پایگاه های اطلاعاتی (Google Alerts, Springer, Scopus, MagIran, ScienceDirect, Google Scholar, ...)

و جستجوی منابع براساس اهداف و سؤالات تحقیق بوده است و براساس دیدگاه پاتون در تحقیق کیفی شیوه ایده آل نمونه گیری این است که تارسیدن به مورد زاید یعنی مواردی که پس از آن اطلاعات جدیدی به دست نمی آید، محقق به انتخاب ادامه می دهد (گال، ۱۳۹۲). در این پژوهش نیز با انتخاب مورد به مورد و کسب داده ها تا جایی که داده ها تکرار شد و اطلاعات جدیدی به دست نیامد و فقط یافته های قبلی را تأیید می کرد انتخاب منابع ادامه یافت.

ابزار و روش جمع آوری اطلاعات

در این پژوهش از طریق فیش برداری از مبانی نظری و پیشینه های مرور شده و اطلاعات و اسناد و مکتوبات داخلی و خارجی به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات استفاده شده است که به صورت مرور، استخراج و نقل مفاهیم و عناصر آموزش حقوق زنان هر یک از منابع به طور جداگانه بوده است.

روشی که برای جمع آوری اطلاعات در اکثر تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می گیرد روش کتابخانه ای است و در بعضی از آن ها موضوع تحقیق از نظر روش از آغاز تا انتها متکی بر یافته های تحقیق کتابخانه ای است. در تحقیقاتی که ماهیت کتابخانه ای دارد تقریباً تمام تلاش محقق در کتابخانه ها صورت می پذیرد، حتی در تألیف و تصنیفات نیز از این روش یعنی روش کتابخانه ای استفاده می شود (حافظ نیا، ۱۳۸۷).

در این پژوهش جهت جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای، پایگاه های اطلاعاتی و موتورهای جستجوگر شامل: (Google Alerts, Springer, Scopus, MagIran, ScienceDirect, Google Scholar, ...) و نیز وب سایت های معتبر و منابع چاپی و دیجیتالی کتابخانه های دانشگاهی جهت دریافت آخرین تحقیقات انجام شده مرتبط در دنیا و نیز مبانی تئوریک به روز و منابع قابل استفاده بهره گرفته شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

درمیان فرآیندهای تحلیل محتوای کیفی، مایرینگ دورویکرد مطرح می کند که به عنوان رویکردهای اصلی برای بسط و توسعه نظام مقوله ای و یافتن اجزای متنی مناسب به عنوان نتیجه در نظر گرفته شده اند که عبارتند از: بسط نظام مقوله ای استقرایی و استفاده از نظام مقوله ای قیاسی. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز در این پژوهش نظام مقوله ای قیاسی بوده است کاربرد نظام مقوله ای قیاسی چنان است که بانظریه های استخراجی و جنبه های مختلف تحلیل و مرتبط کردن آن ها بامتن سروکار دارد. مراحل کیفی تحلیل شامل تعیین روش مند مقوله در عبارات یک متن است تا طی چند مرحله از تحلیل متن مشخص شود که آن مرحله به چند نحو توصیف می شود تعاریف مقوله ها، نمونه ها و موارد مورد بررسی فرمول بندی می شوند، سپس مرحله به مرحله کامل و در مراحل تحلیل اصلاح می شوند (مایرینگ، ۲۰۰۶).

بنابراین، به طور کلی ایده اصلی در این روند، فرمول بندی معیارهای تعریف شده است که از پیشینه نظری و پرسش تحقیق به دست می آید و در این زمینه جنبه های متنی موارد مورد بررسی قرار می گیرد. علاوه بر این معیارها، مواد مورد بررسی مورد توجه قرار می گیرند و مقوله ها مرحله به مرحله و به طور آزمایشی استخراج می شوند. در این حلقه بازگشتی، مقوله ها بارها و بارها اصلاح و از تعداد آن ها کاسته می شود تا تنها مقوله های اصلی بمانند و بتوان پایایی آن ها را بررسی کرد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش نظام مقوله ای قیاسی است که از واحد تحلیل جمله استفاده شده است. در این پژوهش نقطه شروع کار به کارگیری عناصر برنامه درسی از منظر کلان بوده است که در حقیقت مدل پیشین کار است و پژوهشگر بر طبق آن بین جملات مهم به دنبال مطالبی بوده است که در ذیل این عناصر گنجانده شود. به طور کلی می توان گفت که همه رویکردهای تحلیل محتوای کیفی از یک فرآیند مشابه پیروی می کنند که پژوهش حاضر نیز این مراحل را در بر می گیرد که شامل هفت مرحله زیر است:

- ۱- تنظیم کردن سؤالات تحقیق که باید پاسخ داده شود.
- ۲- برگزیدن نمونه مورد نظر که باید تحلیل شود.
- ۳- مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوایی که باید اعمال شود.
- ۴- طرح ریزی کردن فرآیند رمز گذاری.
- ۵- اجرا کردن فرآیند رمز گذاری.
- ۶- تعیین اعتبار و پایایی.
- ۷- تحلیل نتایج حاصل از فرآیند رمز گذاری (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰).

روایی و پایایی پژوهش

در این پژوهش برای بررسی روایی از معیار باورپذیری استفاده شده است. پذیرفتنی بودن برساخته های تحقیق برای سازندگان واقعیت را باورپذیری گویند. به عبارتی فلیک معتقد است که مستدل کردن متن بانقل قول های قابل قبول معیار باورپذیری است (فلیک، ۱۳۹۲؛ ترجمه جلیلی). لذا پژوهشگر برای افزایش باورپذیری از این استراتژی استفاده کرده است که به طور طولانی مدت حدود یک سال و نیم تحقیقات و داده های مختلف مرتبط با پژوهش را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش برای بررسی پایایی نیز از معیار اطمینان پذیری استفاده شده است. اطمینان پذیری طی فرآیند حساسی و براساس همان روش حساسی در حوزه امور مالی آزمون می شود (فلیک، ۱۳۹۲). لذا پژوهشگر به منظور کنترل اطمینان پذیری رویه اجرای تحقیق از استراتژی های زیر استفاده کرده است: ابتدا منابع مرتبط با موضوع مورد جستجو قرار گرفت و داده های خام گردآوری شدند. سپس از طریق خلاصه کردن، مفاهیم اولیه از داده های خام مرتبط در جدول استخراج شدند. در مرحله بعد آن مفاهیم مهم کدبندی شده و در جدول جدید دسته بندی شدند، دسته های به دست آمده نام گذاری شده و مقوله های اصلی به دست آمدند. سپس

مقوله ها باتوجه به سؤالات پژوهش به تفکیک در جداول مربوطه جایگزین شدند، در هر مرحله اقدامات انجام گرفته مورد ارزیابی استاد راهنما و اساتید مشاور قرار گرفته و بازبینی انجام شد تا نتایج نهایی به دست آمده و مورد تأیید قرار گرفت و نیز محقق در مطالعه کیفی مطالب و کدگذاری ها از اسناد و متون مختلف کمک گرفته است و برای تأیید بیشتر، این عناصر طراحی در هر مرحله و در جهت پاسخ به سؤالات پژوهشی در اختیار چند نفر از اساتید متخصص در زمینه علوم تربیتی و روابط بین الملل قرار گرفت و پس از تأیید در هر مرحله ارائه گردید.

یافته ها

یافته های این پژوهش شامل پاسخ به سؤالات پژوهش حاضری باشد که عناصر طراحی برنامه درسی شامل : اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، تکنیک های ارزشیابی، فضا و محیط یاددهی - یادگیری مبتنی بر آموزش حقوق زنان مورد بررسی قرار گرفته است. روش اجرای این پژوهش تحلیل محتوای کیفی بانظام مقوله بندی قیاسی و واحد تحلیل نیز جمله بوده است. کلیه منابع مکتوب و دیجیتال در دسترس مورد مطالعه قرار گرفته و مباحث مربوط به آموزش حقوق زنان استخراج شده، سپس مفاهیم استخراجی از جملات مهم و مرتبط با سؤالات پژوهش در جداول کدگذاری گردید. جهت تعیین اعتبار این سطح، مطالب استخراج شده در اختیار متخصصین برنامه ریزی درسی، حقوق و تعلیم و تربیت قرار گرفت تا صحت آن تأیید شود. حال براساس یافته های به دست آمده، سؤالات پژوهش تک تک مورد بررسی قرار می گیرد.

بحث و تفسیر یافته های سؤال اول پژوهش

سؤال اول پژوهش : برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان در راستای فرهنگ ارزش های فردی چه اهدافی را بر مبنای اسناد و متون بین المللی دنبال می کند؟

یافته های پژوهش حاضر درباره اهداف برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان شامل مقوله های ایا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است:

حق زیستن در صلح، جلوگیری از تبعیض و خشونت علیه زنان، مشارکت برابر زنان، توجه به فراهم کردن محیط تواناساز برای از بین بردن فقر زنان و مشارکت و دسترسی به رسانه، محیط زیست سالم و برخورداری از آن، تساوی حقوق در برابر قانون، حق برخورداری از آموزش مشارکت زنان در فرآیند تصمیم گیری در کلیه سطوح، برخورداری از حقوق یکسان در فعالیت ها، مزد برابر در کار، فرصت های شغلی، فرصت های برابر آموزشی، رضایت در ازدواج، حقوق فردی زنان، حق شهروندی زنان، حق زندگی در آرامش و امنیت زن، نفی بردگی زنان، حمایت قانونی از زن، حقوق زن در خانواده، آزادی بیان، آزادی عضویت در گروه های اجتماعی، آزادی حرکت فعالانه در اجتماع و سفر، عدالت اجتماعی زنان، سلامت و زیستگاه و مسائل مربوط به جمعیت.

سؤال دوم پژوهش: برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان در راستای فرهنگ ارزش های فردی در دوره ابتدایی چه محتوایی را بر مبنای اسناد و متون بین المللی توصیه می کند؟

یافته های پژوهش حاضر درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان شامل مقوله های ایا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است:

توجه به تأمین رفاه اجتماعی زنان، توجه به دسترسی زنان به آموزش، توجه به جلوگیری از بیکاری، آشنایی با حقوق کار و دستمزدها عادلانه زنان، آشنایی با حق داشتن فضای زندگی کافی زن، توجه به رژیم غذایی مفید، توجه و آشنایی با

دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی، آشنایی با چگونگی رعایت اصول اخلاقی در محیط اجتماعی، آشنایی با چگونگی رشد زنان در همه ابعاد، آشنایی با اصول فرزندآوری و چگونگی تربیت کودک، توجه به حق کرامت، توجه به حق عدالت، آشنایی با حفظ حقوق کلیه اقوام و گروهها، توجه به آزادی بیان و ابراز عقیده، آزادی باورها، آشنایی با صلح و هماهنگی، آشنایی با حق وابستگی متقابل، آشنایی با حق حل اختلاف، توجه به حق تفاهم، همکاری و احترام متقابل در میان افراد، آشنایی با حق احترام به خانواده و همه اعضای آن، توجه به حق درک فرهنگ مردم خود، آشنایی با چگونگی حق حساسیت نسبت به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، آشنایی با حق خودآگاهی، آشنایی با حق خودتکایی، آشنایی با حق عزت نفس و نظم و ترتیب، آشنایی با چگونگی حق احترام و درک در روابط خودبا دیگران، آشنایی به حق عشق و اهمیت دادن به موضوعات و مسائل مختلف، آشنایی با حق شجاعت اخلاقی، حق پذیرش آراء، اعتماد، راستگویی و تحمل، آشنایی با حفظ آرامش و آشتی طلبی، توجه به حق پرسشگری و خلاقیت، توجه به حق جستجوی آرامش درون، توجه به حق آزادی اندیشه، گرایش و باورها، توجه به حق آزادی انجام مراسم مذهبی، آشنایی با چگونگی همکاری مؤثر با دیگران برای هدف مشترک، آشنایی با سازگاری و تمایل به تغییر دیدگاه بر اساس شواهد و منطق، توجه به مسئولیت پذیری و تمایل به شریک شدن در یک مسئولیت با دیگران، آشنایی با دقیق گوش دادن به سخن دیگران و تصمیم گیری بر اساس عدالت و رعایت حق، توجه به احترام به باورها، دیدگاهها و نظرات دیگران، آشنایی و مهارت در حل مسالمت آمیز تعارضات با بدون درگیری و خشونت.

سؤال سوم پژوهش: راهبردهای یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان

در راستای فرهنگ ارزش های فردی در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین المللی چیست؟

یافته های پژوهش حاضر درباره راهبردهای یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان شامل مقوله های هیا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است: استفاده از روش های تشویقی به جای تنبیه و تهدید در جهت پرورش خلاقیت و آزادی بیان دانش آموزان، استفاده از روش های عملی در کلاس درس به منظور پرورش روحیه کمک به دیگران و دوستی و محبت، تشویق آزادی عضویت در گروه های اجتماعی، مشارکت زنان و ...، استفاده از روش چگونگی یادگیری به جای یاد دادن و با یادگیری مادام العمر، طراحی نمایش و ساخت ماکت ها برای آموزش با موضوعات مرتبط با آموزش حقوق زنان، تشکیل گروه های همکاری برای فعالیت های پرورشی و فوق برنامه و آشنایی با نقش های اجرایی، استفاده از روش های مشاهده و گردش علمی، ذهنیت بخشی رفتار صلح آمیز از طریق تشویق دانش آموزان، استفاده از روش بحث و پژوهش، تنوع و انعطاف پذیری و مبتنی بر احترام در تدریس، گنجاندن فعالیت های مناسب آموزشی با موضوعات آموزش حقوق زنان و همراه با خلاقیت، استفاده از تکنیک های تقویت مهارت های بیانی و گوش دادن فعالانه به دوران تعصب، استفاده از تکنیک های پرسشگری همراه با درک حقیقت و استدلال، استفاده از روش های مبتنی بر همدردی، دلسوزی و رعایت عدالت و ترویج آن (برنامه درسی پنهان).

سؤال چهارم پژوهش: تکنیک های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان در راستای

فرهنگ ارزش های فردی در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین المللی چیست؟

یافته های پژوهش حاضر درباره تکنیک های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان شامل مقوله های هیا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است: ارزیابی رفتار فراگیران با دیگران در محیط مدرسه درباره رعایت ریزفاکتورهای حقوق زنان و تشویق فراگیران به تأمل و یادگیری از اشتباهاتشان، ارزیابی دانش آموزان از چگونگی تهیه گزارش درباره فیلم های آموزشی و نقد آن ها با موضوع حقوق زنان، استفاده از هنر در ارزیابی قدرت تشخیص دانش آموزان در شناسایی ریزفاکتورهای حقوق زنان، ارزیابی چگونگی کار گروهی، تعاون و سایر رفتارها و فاکتورهای مبتنی بر حقوق زنان در گردش های علمی و کلاس درس، ارزیابی قدرت تشخیص دانش آموزان در شناسایی ریزفاکتورهای حقوق زنان از طریق به پایان رساندن داستان های ناتمام به عنوان یک تکلیف.

سؤال پنجم پژوهش : فضا و محیط یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان در راستای فرهنگ ارزش های فردی در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین المللی چیست؟

یافته های پژوهش حاضر درباره فضا و محیط یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان شامل مقوله های ایا همان مفاهیم جایگزین شده زیرا است: ایجاد محیط امن و دوستانه، ایجاد محیطی برای آزاداندیشی و تفکر درباره مسائل، ایجاد محیط پرتحمل، پذیرا و حمایتگر آموزشی، ایجاد محیطی با فرصت های برابر آموزشی به دور از تبعیض، ایجاد محیطی قابل اعتماد و فارغ از تهدید.

بحث و نتیجه گیری

آموزش برای حقوق زنان در راستای فرهنگ ارزش های فردی رامی توان یک مدل مفهومی دانست که مدارس می توانند با استفاده از آن برنامه ای مبتنی بر انتقال ارزش های جهانی، رفتارهای پایدار و ایجاد مهارت ها بسازند که دانش آموزان ما را قادر خواهد ساخت به شهروندان فعال جهانی تبدیل شوند و از آن جایی که آموزش و پرورش فرآیندی است که برای تغییر و تعدیل رفتار فراگیران تلاش می کند و برای تحقق هدف های مشخص به فعالیت می پردازد، در این عرصه پهناور عوامل گوناگونی اثرگذار است که در این میان نقش اساسی بر عهده برنامه درسی و طراحان برنامه درسی است که عناصر اصلی آن شامل اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و روش ها و تکنیک های ارزشیابی می باشد.

هدف از آموزش برای حقوق زنان را می توان پرورش شهروندان جهانی فعال با ویژگی هایی شامل: آگاهی از وابستگی متقابل انسان ها در چارچوب جهانی، مصمم بودن به گسترش صلح، حقوق بشر و دموکراسی، آگاهی از مسئولیت خود در قبال نفس خویش و محیط اجتماعی و فیزیکی خود، داشتن وجدان حساس نسبت به تغییرات فن آوری و اجتماعی و پیامدهای احتمالی آن تغییرات، برخورداری از رفتار، استانداردها و عادت های کاری که تضمین کننده یادگیری در تمام عمر هستند، دارا بودن اعتماد به نفس، استقلال و احترام و نیز تمایل به گرفتن تصمیم های عاقلانه و سنجیده دانست. بنابراین هدف آموزش حقوق زنان باید توسعه همه جانبه شخصیت و ماهیت بشری و پرورش حس احترام به حقوق آزادی های اساسی زنان باشد. آموزش باید تفاهم، تحمل و دوستی را در میان همه ملت ها و گروه های نژادی و مذهبی گسترش داده و به فعالیت های کشورایران و نیز سازمان ملل در برقراری صلح کمک کند. اکنون زمانی است که جامعه جهانی و آموزش و پرورش وظیفه اطمینان بخشیدن به مردم را دارند، محتوای کتب درسی و آموزشی نقش مؤثری در ارتقای برابری، صلح و تصور حقوق بشر جهانی دارد، در نتیجه تمامی برنامه های درسی و آموزشی مؤسسات و مراکز آموزشی باید در جهت ارتقای عزت نفس زنان، آگاهی اجتماعی و ایجاد توانایی شرکت در تمامی سطوح جامعه از ملی تا جهانی باشد. هنگامی که در مورد حقوق بشر کار می کنیم این فرصت هست که رابطه میان حقوق و مسئولیت ها و تنشی که می تواند به واسطه نقض حقوق فردی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و جامعه جهانی برای زنان به وجود می آید بررسی شود. برنامه آموزش برای حقوق زنان رامی توان به روش های گوناگون در برنامه درسی گنجانند. این روش ها در بسیاری از سیستم های ملی آموزش و بسیاری از مدارس مستقل در تمام جهان نیز رایج هستند.

از جمله مهم ترین این روش ها، تجربیات زیسته دانش آموزان را مدنظر قرار می دهد و مروج رویکرد ساختارگرایانه نیز هست. در این روش معلمان متوجه هستند که دانش آموزان با خود یک دانش اولیه رابه هر موقعیت یادگیری می آورند و به واسطه فعالیت هایی که معلم آن ها را طراحی کرده در برنامه درسی درگیری شوند، دانش آموزان با درک تجربیات خود به ساختن معنی مبادرت می کنند، این فرآیند را باید به صورت یک فرآیند چرخشی در نظر گرفت. به عنوان بخشی از فرآیند ساخت معنی توسط یادگیرندگان باید به آن ها فرصت تعمق درباره آن چه فرامی گیرند داده شود، با درونی شدن این فرآیند انتظار می رود که دانش آموزان به آن چه یاد می گیرند عمل نیز نمایند. ارزشیابی و روش های آن نیز از جمله عناصر اساسی برنامه درسی است. بنابراین نیازه ارزیابی دانش آموزان

برای تبدیل شدن به شهروندان فعال جهانی برای موفقیت برنامه آموزش برای آشنایی با حقوق زنان اهمیت کلیدی دارد. بنابراین به دلیل اهمیت این موضوع و توجه به آن در برنامه درسی مدارس به ویژه دوره ابتدایی که سرآغاز رشد فکری و عقلانی دانش آموزان است پژوهش حاضر در صدد برآمد که به طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان در دوره ابتدایی به صورت یک مطالعه کیفی برآید. با توجه به یافته های حاصل از این پژوهش، می توان از کنار هم قراردادن مقوله های به دست آمده برای هر یک از عناصر مبانی علمی، اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و تکنیک های ارزشیابی فراگیر به مدل پیشنهادی برای طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان دست یافت که با نتایج پژوهش سلیمانپور عمران در سال ۱۴۰۰ که در پژوهشی تحت عنوان « مفهوم شناسی پدیده گسست نسلی و راهکارهای تربیتی برون رفت از آن » به شناسایی مؤلفه های گسست نسلی و نهایت راه های برون رفت از این پدیده پرداخته است از نظر هدف و محتوای برنامه های درسی همخوانی داشت و نیز با پژوهش عیوضی که در سال ۱۴۰۱ تحت عنوان « بررسی جامعه شناختی شکاف نسلی در ایران پس از انقلاب اسلامی با تاکید بر عناصر فرهنگی هویت ایرانی » پرداخته است مطابقت داشت عیوضی به دنبال بررسی این شکاف نسلی با استفاده از باورها، ارزش ها، نگرش ها، احساسات، هنجارها و رفتارهای جامعه ایرانی بعد از انقلاب اسلامی، پیرو پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان که در سال ۱۴۰۱ به واکاوی مسئله پرداخته است و مجید کفاشی نیز در پژوهش خود در سال ۱۴۰۰ به این نتیجه دست یافته است که بین شاخص های اجتماعی و فرهنگی فردی شامل سبک زندگی، موقعیت محل سکونت، معاشرت با گروه همسالان، پایگاه اجتماعی والدین، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، نظام آموزشی و شکاف نسلی رابطه معنا داری وجود دارد که با نتایج پژوهش حاضر از نظر هدف و محتوا مطابقت دارد. نتایج نشان می دهد در سطح باورها و ارزش ها، پیوستگی و وفای وجود دارد و تفاوت اندک در این زمینه طبیعی هر جامعه ای می باشد اما در زمینه برخی از هنجارها و رفتارها، دچار تفاوت های معنی دار بوده که می توان شکاف نسلی را در رفتارها و نمادها بر آن گذاشت. از آنجایی که پژوهش مشابهی در زمینه طراحی برنامه درسی آموزش حقوق زنان در راستای فرهنگ ارزش های فردی در دوره ابتدایی انجام نشده است به نتایج برخی از پژوهش های مرتبط با پژوهش حاضر اشاره شد.

به طور کلی پژوهش حاضر به عنوان یک مدل طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش حقوق زنان برای کلیه برنامه ریزان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت کشور این امکان را فراهم می نماید که با یک زاویه دید جدید به بازنگری جدی در عناصر برنامه های درسی کشور در دوره ابتدایی بپردازند و مدارس نیز می توانند با استفاده از آن برنامه ای مبتنی بر انتقال ارزش های جهانی، رفتارهای پایدار و ایجاد مهارت ها بسازند که دانش آموزان ما، را قادر خواهد ساخت به شهروندان فعال جهانی تبدیل شوند و این درک و فهم می تواند راهنمای آن ها برای تحقق انسانیت، صلح و آرامش در جهان باشد.

منابع

- آرتیدار، طاهّا. (۱۴۰۰). قوانین و مقررات ویژه زنان در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات برگ زیتون، ۲ (۱).
- ایمان، محمد، نوشادی، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. *دوفصلنامه علمی پژوهشی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)*، ۴۴، ۲-۱۵.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۷). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت، ۳۰۲.
- شعبانی، حسن. (۱۴۰۰). حقوق اساسی و ساختار حکمت جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات، ۳ (۱).
- فلیک، اووه. (۱۳۹۲). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه جلیلی ه. تهران: نشر نی، ۴۹۲.
- گال، مردیت، بورگ، والتر، گال، جوئیس. (۱۳۹۲). روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی. ترجمه نصر، احمد رضا و همکاران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ هشتم، جلد اول، ۷۰۳.

- مایور، فریبا. (۱۳۹۰). اعلامیه جهانی حقوق بشر ترجمه پوینده م، تهران: نشرنی، ۳۰۰.
- موسوی، رضا. (۱۳۹۹). کتاب البیع. تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۰). مجمع الرسائل (المحشی)، مشهد، مؤسسه صاحب الزمان (ع)، ۱ (۹).
- هاشمی، محمد. (۱۴۰۰). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات میزان، ۱۸۱.
- هومن، حیدر علی. (۱۳۸۹). راهنمای عملی پژوهش کیفی. تهران: انتشارات سمت، ۱۸۱.

- Christie P. (2010). the Complexity of Human Rights in Global Times: the Case of the Right to Education in South Africa. *International Journal of Educational Development*, 30(1), 3-11.
- Flowers N. (2010). the Human Rights Education Handbook: Effective Practices for Learning, Action, and Change. Human Rights Education Series, Topic Book. Human Rights Resource Center, University of Minnesota, 229 19th Avenue South, Room 439, *Minneapolis, MN 55455*.
- Freeman M. (2011). Human Rights: an Interdisciplinary *Approach. Polity*.
- Mayring P. (2006). Qualitative Content Analysis. Available from: <http://qualitative-research.net/fqs-e/200inhalt-e.htm>. Accessed on: 10 June 2006.